

تلویزیون

نگاهی به سریال «بوقچی» همزمان با شروع بازی‌های مقدماتی جام جهانی

فوتبال، طنز و همبستگی در قاب تلویزیون

فاطمه شریفی

همزمان با آغاز پخش سریال «بوقچی» از شبکه سه و شروع بازی‌های مقدماتی جام جهانی، نگاهی داریم به این اثر تازه از سازمان سینمایی سوره که تلاش دارد با نگاهی متفاوت به فوتبال، پیوندی میان سرگرمی و مضامین اجتماعی برقرار کند. در روزگاری که تب فوتبال دوباره داغ شده و مردم چشم به دروازه‌های حریفان دوخته‌اند، تلویزیون نیز دست به تولیدی زده که سه محوریت فوتبال، قصه‌ای اجتماعی و طنز آمیز را روایت می‌کند. سریال «بوقچی» به کارگردانی حسن حبیب‌زاده و تهیه‌کنندگی محمدجواد موحد، تازه‌ترین محصول سازمان سینمایی سوره است که از شبکه سه سیما روی آنتن رفته و قرار است در شب‌های فوتبالی، رنگ‌بوی تازه‌ای به قاب تلویزیون ببخشد.

روایت یک مربی بعید در دنیای غیرمنتظره

داستان بوقچی با یک موقعیت خاص و طنزلود آغاز می‌شود: انتخاب فردی که نه تخصصی در فوتبال دارد و نه پیشینه‌ای مرتبط، به عنوان

سر مربی یک تیم لیگ یکی. همین شروع غافلگیر کننده، موتور محرکه قصه‌ای می‌شود که در آن مخاطب با شخصیتی مواجه است که به‌رغم نابلدی، با رویکرد انسانی، انگیزه‌بخش و امیدوار انشاش تحولی در تیم به‌وجود می‌آورد. قهرمان این سریال برخلاف الگوهای رایج مربیان فوتبالی که معمولاً جدی، مقتدر و گاه عصی‌اند، شخصیتی لطیف، مردمی و خوش‌قلب است. کارگردان با بهره‌گیری از موقعیت‌های کمدیک، این تضاد میان ناتوانی حرفه‌ای و قدرت شخصیتی را به‌بستری برای تولید طنز تبدیل کرده است.

الهام از تد لاسو: بومی‌سازی هوشمندانه

در نگاه اول، شباهت‌هایی میان «بوقچی» و سریال تحسین‌شده امریکایی «تد لاسو» دیده می‌شود. هر دو درباره مربیانی‌اند که به‌طور اتفاقی وارد دنیایی می‌شوند که شناختی از آن ندارند و با خوش‌بینی، انسان‌دوستی و اعتماد به اطرافیان به تغییر فضا کمک می‌کنند. اما بوقچی تلاش کرده است با توجه به بافت اجتماعی، فرهنگی و ورزشی ایران، این الگورا بومی‌کند.

در بوقچی با جامعه‌ای طرف هستیم که فوتبال در آن نه فقط یک ورزش، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و حتی سیاسی است. بنابر این شخصیت اصلی در مسیر تحول، صرفاً با چالش‌های تاکتیکی روبه‌رو نیست، بلکه باید درگیر مناسبات بوروکراتیک، فشار تماشاگران و حتی دخالت‌های غیرقنی شود. همین عوامل، سریال را به اثری چندلایه بدل می‌کنند که با وجود قالب طنز به نقد غیر مستقیم برخی ناسامانی‌ها نیز می‌پردازد.

ترکیبی از تجربه و طراوت

یکی از نقاط قوت بوقچی، استفاده از ترکیب هوشمندانه بازیگران است. حضور چهره‌هایی چون حسن پورشیرازی، بیژن امکانیان، ستاره حسینی، مجید عراقی و چند بازیگر جوان موجب شده تا هم پختگی و مهارت در بازی‌ها و هم طراوت و پویایی نسل جدید دیده شود. پورشیرازی در نقش مربی اصلی، بازی گرم، صمیمی و در عین حال کمدی ارائه داده که به‌خوبی با فضای کلی سریال هماهنگ است. بازیگران مکمل نیز در ایجاد موقعیت‌های طنز و ایجاد همدلی با مخاطب، نقش مؤثری دارند.



طنز برای اندیشیدن

طنز در بوقچی ابزاری برای سرگرمی صرف نیست. در پس لیخندها، نگاهی انتقادی به برخی معضلات اجتماعی و ورزشی دیده می‌شود. سریال با پرهیز از شعارزدگی، از دل موقعیت‌های طبیعی و قابل‌باور، مسائلی چون فشار رسانه‌ها، ناکارآمدی سیستم‌های مدیریتی و حتی نقش هواداران افراطی را مورد توجه قرار می‌دهد.

در همین راستا، نام سریال نیز معنادار است. بوقچی در ادبیات عامیانه فوتبال به هوادارانی اطلاق می‌شود که با بوق و هیاهو تیم خود را حمایت می‌کنند. این واژه در عین خنده‌دار بودن، دلالتی نمادین دارد: از یکسو نماد شور و اشتیاق مردمی است و از سوی دیگر، گاه یادآور هیاهوی بی‌فایده و بی‌نظم.

همزمانی هوشمندانه با فوتبال ملی

پخش سریال همزمان با آغاز رقابت‌های مقدماتی جام جهانی، تصمیمی هوشمندانه و استراتژیک از سوی سازندگان و پخش‌کنندگان آن است. این تقارن هم مخاطبان را به شکل طبیعی به تماشای سریال سوق می‌دهد و هم پیوندی میان دنیای داستانی «بوقچی» و واقعیت فوتبال ایرانی برقرار می‌کند. در روزهایی که فوتبال ملی در کانون توجه قرار دارد، این سریال با لحنی شیرین و مردمی، امکان آن را فراهم می‌سازد که تماشاگر تلویزیون هم بخندد، هم بیندیشد و هم در این طنز، تصویری از واقعیات تلخ و شیرین دنیای فوتبال را ببیند.

بوقچی را می‌توان تلاشی موفق در تلفیق سرگرمی، طنز و پرداختن به مسائل اجتماعی دانست: سریالی که از دل یک موقعیت کمدی، پرسش‌هایی جدی درباره انگیزه، امید، کار تیمی و مدیریت مطرح می‌کند. این اثر در عین سادگی، واجد لایه‌هایی است که می‌تواند به‌ذنبال تولید آثار متفاوت و اثرگذار است. بوقچی گامی قابل دفاع در مسیر بازتعریف سریال‌های طنز ورزشی محسوب می‌شود. ترکیب بازی‌های باورپذیر، دیالوگ‌های طنزآمیز، شخصیت پردازی انسانی و فضا سازی واقع‌گرایانه، این سریال را به گزینه‌ای مناسب برای شب‌های فوتبالی تبدیل کرده است.

ادبیات داستانی

بررسی رمان «جام جهانی در جوادیه» نوشته داوود امیریان

زبان مشترک نوجوانان جهان در زمین خاکی

مرضیه بکان

در آستانه برگزاری رقابت‌های مقدماتی جام جهانی فوتبال، بار دیگر نام این رویداد بزرگ ورزشی سر زبان‌ها افتاده است. در چنین فضایی، بازخوانی کتاب «جام جهانی در جوادیه» نوشته داوود امیریان می‌تواند پنجره‌ای متفاوت به فوتبال و تأثیرات فرهنگی آن بگشاید. این رمان نوجوانانه که اولین بار در سال ۱۳۸۲ از سوی نشر قدیانی منتشر شد، با زبان طنز و لحنی صمیمی موفق شد نگاهی انسانی و اجتماعی به فوتبال داشته باشد. نه در سطح رقابت‌های ملی، بلکه در زمین‌های خاکی جنوب تهران: جایی که رؤیاهانوزز زنده‌اند.

محله جوادیه، یک جهان کوچک

رمان در دل محله‌ای واقعی به نام «جوادیه» واقع در جنوب تهران می‌گذرد. انتخاب این لوکیشن برای داستان، نه تنها به بومی‌سازی روایت کمک کرده است، بلکه بستری فراهم می‌کند برای پرداختن به تفاوت‌های طبقاتی، مهاجرت، فقر و در عین حال دوستی و همدلی. امیریان با مهارت، فضای برهیاوهی کوچه‌های تنگ جوادیه را به تصویر می‌کشد؛ جایی که بچه‌ها با کمترین امکانات اما بیشترین انگیزه‌ها به دنبال توپ پلاستیکی می‌دوند و رؤیای زرگی در دل دارند.

یک جام جهانی واقعی اما خیالی

داستان از آنجا جان می‌گیرد که سیاوش، نوجوانی باهوش و عاشق فوتبال با «الکس» پسر سفیر کانادا در ایران آشنا می‌شود. این دوستی اتفاقی به جرقه‌ای برای خلق یک تورنمنت بین‌المللی محلی تبدیل می‌شود. بچه‌هایی از ملیت‌های مختلف (فرزندان دیپلمات‌ها، مهاجران افغانستانی، عرب‌های مروی...) کنار هم تیم تشکیل می‌دهند تا یک «جام جهانی» در جوادیه برگزار کنند. این ایده بکر و خیال‌انگیز، قلب رمان را شکل می‌دهد: یک زمین خاکی در جنوب تهران که به‌صحنه‌ای جهانی تبدیل می‌شود بدون نیاز به استادیوم‌های چندمیلیون دلاری.

فرهنگستان

لیلا شکیب‌مهر

حسین آقا مستحبی با حمید سبزواری، یکی از چهره‌های برجسته شعر معاصر ایران در تاریخ شعر و فرهنگ این سرزمین نقشی بی‌بدیل ایفا کرده است. مردی که با کلام خود توانست روح مبارزه و استقامت را در دل‌های مردم ایران زنده نگه دارد و به واسطه اشعارش همواره از ارزش‌های انسانی، اجتماعی و میهن پرستانه دفاع کند. به مناسبت سالروز درگذشت این شاعر بزرگ، مرور زندگی و آثار او فرصتی است تا بهتر بتوانیم عمق و گستره تأثیرگذاری ایشان را در فرهنگ و ادبیات معاصر ایران بشناسیم.

لیلا شکیب‌مهر

حمید سبزواری در سال ۱۳۰۳ در شهرستان سبزوار متولد شد. او در محیطی فرهنگی و مذهبی رشد کرد که زمینه‌ساز علاقه‌اش به شعر و ادبیات و آشنایی وی از کودکی با شعر بود تا به سرعت مجذوب این هنر شود. به گونه‌ای که نخستین اشعار خود را در سنین نوجوانی سرود. علاقه عمیق به ادبیات فارسی کلاسیک به ویژه اشعار فردوسی و حافظ، در شکل‌گیری سبک و محتوای اشعار او نقش بسزایی داشت.

لیلا شکیب‌مهر

سبزواری نه تنها یک شاعر، بلکه یک روشنفکر متعدد و مبارز اجتماعی بود. او در ادوار مختلف زندگی خود به ویژه در زمان‌های پرتنش سیاسی ایران، از طریق اشعار خود پیام‌های انسانی، اجتماعی و انقلابی را به مردم منتقل کرد. شعرهای او غالباً بیانگر امید، مقاومت و عدالتخواهی بودند و توانستند به مثابه صدایی رسا در برابر ظلم و ستم حکومت‌ها و ناعدالتی‌ها عمل کنند.



خود با اشعاری که سرود، تلاش کرد پیوند بین فرهنگ اصیل ایرانی و ارزش‌های معنوی را حفظ و در عین حال با زبانی ساده و قابل فهم، پیام‌های خود را به تمام اقشار جامعه منتقل کند. این ویژگی سبب شد تا آثار او نه تنها در میان اهل فرهنگ، بلکه در میان مردم عادی نیز محبوب و پرتیرافدار شود. اشعاری انقلابی و مشهور مانند «خمینی ای امام»، «هر خیزیدی شهیدان راه خدا»، «این بانگ آزادی است کز خاور خیزد» و «سرود ای مجاهد شهید مطهر» از سروده‌های این شاعر است.

یکی از بخش‌های مهم زندگی هنری حمید سبزواری، همکاری و ارتباط نزدیکش با حوزه هنری انقلاب اسلامی بود. حوزه هنری به عنوان نهادی فرهنگی و هنری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شد، نقشی کلیدی در ترویج هنر انقلاب و بازتاب ارزش‌های نوین جامعه داشت. سبزواری با اشعار خود به خوبی توانست نیازهای هنری و فرهنگی این نهاد را پاسخ دهد و به نوعی صدای ادبی حوزه هنری باشد.

او در سال ۱۳۶۰، اشعار نخستین قطعات موسیقی جمهوری اسلامی را در قالب یک آلبوم موسیقی سرود. این آلبوم به همت حوزه هنری، آهنگسازی احمدعلی راغب و

صدای محمد گلریز و مهرداد کاظمی از تلویزیون پخش شد. این ترانه‌ها که حال و هوای انقلاب را با خود به همراه داشتند به تازگی از سوی حوزه هنری انقلاب اسلامی با نام «صبح شایق» منتشر شدند. این ارتباط دو طرفه بین او و حوزه هنری باعث شد سبزواری نه تنها به عنوان شاعر انقلابی، بلکه به عنوان یکی از پایه‌گذاران شعر انقلاب و ادبیات دفاع مقدس مطرح شود. آثار او در حوزه هنری به عنوان نمونه‌هایی از ادبیات متعهد شناخته می‌شوند که همواره از سوی نسل‌های بعدی هنرمندان و شاعران مورد مطالعه و الهام قرار گرفته‌اند.

سبک شعری و مضمون‌ها

سبزواری در اشعار خود ترکیبی از سنت و نوآوری را به نمایش گذاشته است. او به خوبی از قالب‌های کلاسیک بهره گرفته و در عین حال به نوشتن اشعاری با زبان روزمره و حال‌وهوای معاصر پرداخته است. مضمون‌های اشعار او بسیار متنوع است، از مفاهیم اجتماعی و سیاسی گرفته تا توصیف زیبایی‌های طبیعت و مسائل انسانی و اخلاقی. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های شعر سبزواری، نگاه انسانی و عاطفی‌اش به زندگی است. او به خوبی توانسته دردها و آرزوهای مردم را در قالب شعر بیان و به این ترتیب، احساس همدلی و همبستگی را در جامعه تقویت کند. به ویژه در دوران انقلاب اسلامی ایران، اشعارش به عنوان بیانگر روحیه مقاومت و ایمان مردمی نقش مهمی داشتند.

کتاب

«حاج خانم گل فوتبال»

نگاهی طنز آمیز به فوتبال و زندگی روزمره

محمد حسینی

یوسفی به مناسبت آغاز بازی‌های مقدماتی جام جهانی فوتبال، فرصتی پیش آمد تا نگاهی داشته باشیم به کتاب طنز و جذاب «حاج خانم گل فوتبال» از نشر سوره مهر. این کتاب با زبانی ساده و روایت دلنشین، به مباحثه‌ای فرهنگی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با روایتی از خنده و تأمل، روایتی از «حاج خانم گل فوتبال» داستانی طنز و جذاب است که با سبک روایتی ساده و خواننده را از همان ابتدا با خود همراه می‌کند. کتاب بدون هیچ مقدمه پیچیده‌ای شروع و مستقیماً وارد زندگی پسر می‌شود که برای گذراندن دوران خدمت سربازی به تهران آمده و در خانه‌ای اجاره‌ای سکونت می‌کند. نکته جالب در داستان، حضور همسایه‌ای میانسال به نام «گل» است که مادرزن صاحبخانه محسوب می‌شود و نقش مهمی در روایت دارد.

روایت کتاب از زبان راوی اصلی است که با صداقت و صراحت، افکار و احساسات خود را با خواننده در میان می‌گذارد. همین ویژگی باعث شده است بخش زیادی از طنز کتاب در تکرار و نگاه متفاوت راوی شکل بگیرد که با نقدها و اشاره به مسائل اجتماعی نیز آمیخته شده است. این ترکیب طنز و نقد اجتماعی، کتاب را از حالت صرفاً سرگرم‌کننده فراتر می‌برد و خواننده را به فکر وامی‌دارد. داستان اصلی حول محور دلباختگی پسر جوان به «نفس»، نوه حاج‌خانم می‌چرخد و ماجراهای عاشقانه و موقعیت‌های طنزی که از این ارتباط به وجود می‌آید، بخش عمده‌ای از کتاب را شکل می‌دهد. پیشرفت داستان به تدریج و به کمک دیالوگ‌ها و موقعیت‌های روزمره و معمولی انجام می‌شود که این روند زامانر است، اما همین صبر خواننده را برای لحظات بامزه و خنده‌دار بعدی آماده می‌کند. یکی از نقاط قوت کتاب، ورود شخصیت «آقا شعبان» و رقابت‌های فوتبالی و چالش‌های او با حاج‌خانم است. این بر خوردها موقعیت‌های طنزی را ایجاد می‌کند که به وسیله شوخی‌های راوی جذاب‌تر و باعث می‌شود کتاب از یک داستان ساده فراتر رود. نکته جالب اینجاست که طنز کتاب تنها به جنبه‌های تفریحی محدود نمی‌شود، بلکه مخاطب را با دیدگاهی چندوجهی نسبت به مسائل ورزشی و اجتماعی روبه‌رو می‌کند. در نتیجه، خواننده ضمن خنده، فرصتی برای اندیشیدن و تأمل پیدا می‌کند.

شخصیت‌های کتاب در حد خودشان و بدون اغراق معرفی شده‌اند؛ از پدر و مادر راوی گرفته تا حاج‌خانم، بچه‌های محله و حتی نفس. این تعادل در شخصیت‌پردازی باعث شده است داستان طبیعی و باورپذیر باشد و هر کدام از شخصیت‌ها نقش خود را به خوبی ایفا کنند بدون آنکه روایت طولانی یا پراکنده شود.

لیلا شکیب‌مهر

از نظر پیام‌های اجتماعی، کتاب «حاج‌خانم گل فوتبال» با زبان طنز به مسائلی مانند احترام به بزرگ‌ترها و خانواده، آداب عاشق شدن و بیان احساسات و در نهایت عاقبت دروغ‌گویی می‌پردازد. این نکات ضمن سرگرم کردن مخاطب، ارزش‌های مهم زندگی را هم به شکلی غیر مستقیم یادآوری می‌کند.

لیلا شکیب‌مهر

ویژگی‌های زبانی کتاب نیز قابل توجه است: استفاده از جملات کوتاه، تضاد و تناقض‌های موقعیتی و بهره‌گیری از دانش و اطلاعات مشترک بین راوی و خواننده، همه باعث شده‌اند مخاطب احساس کند خودش هم بخشی از داستان است و این باعث ایجاد ارتباط عمیق‌تر با متن می‌شود.

لیلا شکیب‌مهر

در نهایت، حاج‌خانم گل فوتبال تنها یک داستان طنز نیست، بلکه مجموعه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و ورزشی است که به شکل ساده و شیرین روایت شده‌اند. خواندن این کتاب می‌تواند هم لیخنند به آب‌باور و هم فرصتی برای تأمل در مسائل پیرامون ما فراهم کند.